

ارزیابی تأثیر عناصر منظر شهری بر میزان احساس تعلق محلی

(مطالعه موردی: محله نارمک تهران)

دکتر سکینه معروفی*، دکتر مجتبی انصاری**

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۱۲/۲۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۰/۱۲/۱۶

چکیده

شهرها با منظر خود در معرض قضاوت ناظرین قرار می‌گیرند. ارزیابی تأثیر متقابل منظر شهری و ویژگی‌های اجتماعی هدف اصلی تحقیق حاضر است. در این مقاله سعی شده است تا به این سؤال پاسخ داده شود که چه ارتباطی میان منظر شهری و میزان احساس تعلق محیطی وجود دارد؟ فرضیه تحقیق نیز عبارت از این است که میان منظر شهری و میزان احساس تعلق محیطی در جامعه ارتباط و همبستگی مثبتی وجود دارد. برای پاسخ به سؤال تحقیق ابتدا ضمن تعریف منظر شهری به بیان عناصر آن پرداخته شده است. سپس مفهوم احساس تعلق به محیط و معیارهای آن تشریح شده‌اند. براساس تعاریف نظری و عملیاتی متغیرهای تحقیق، پرسش‌نامه‌ای تهیه و سپس به شکل تصادفی از طریق مصاحبه از چهل نفر از ساکنین محله نارمک تکمیل گردید. نتایج به‌دست آمده، وجود ارتباط میان مؤلفه‌های منظر شهری و میزان احساس تعلق محیطی را با درجه اطمینان ۹۵٪ تأیید نمود.

واژه‌های کلیدی

منظر شهری، عناصر منظر شهری، احساس تعلق محلی

Email: S.maroofti@modares.ac.ir

Email: ansari_m@modares.ac.ir

* دکتری شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس. (مسئول مکاتبات)

** دانشیار گروه معماری، دانشگاه تربیت مدرس.

مقدمه

مطالعه ارتباط وجود دارد؟ به نظر می‌رسد میان عناصر منظر شهری و میزان احساس تعلق محلی در جامعه آماری مورد مطالعه رابطه معنی داری وجود دارد. همچنین متغیرهای این تحقیق با توجه به فرضیه ذکر شده عبارتند از: منظر شهری و احساس تعلق محلی.

منظر شهری (تعاریف، نقش و عناصر)

از منظر شهری تعاریف گوناگونی ارائه شده است. منظر شهری سطح تماس انسان با پدیده شهر و ابزاری است که به وسیله آن می‌توان شهر را به مثابه یک متن قرائت کرد. همچنین منظر شهری را می‌توان نظامی از دال‌ها قلمداد کرد که بر مجموعه‌ای از مدلول‌ها دلالت دارد. منظر شهری یک پیام رسان و راوی است (گلکار، ۱۳۸۵، ۳۸). منظر شهری واقعی عینی است که در مشاهده هر فرد به دیده می‌آید؛ به عبارت دیگر توصیفی است از واقعیت موجود کالبد یک شهر که این توصیف فارغ از تصویری است که به واسطه تجربیات فرد مشاهده کننده در ذهن او نقش می‌بندد (محمودی، ۱۳۸۵، ۵۸). اگرچه در طول تاریخ، طراحی نوآورانه شهرها معمولاً در پی رشد اقتصادی شهرها رخ داده است، اما امروزه در عصر جهانی شدن شهرها، روند معکوسی به چشم می‌خورد. بر پایه تحقیقات جدید، در توسعه اقتصادی شهرها از طراحی شهری به عنوان یک ابزار استفاده می‌شود. شهرهای برخوردار از منظر شهری مطلوب قادرند با وسعت بخشیدن به تجربه زیبا شناختی شهروندان، موجب ارتقاء تصویر ذهنی و تقویت غرور مدنی در میان شهروندان گردند (گلکار، ۱۳۸۵، ۳۸). و از طریق بالابردن احساس تعلق به محیط موجب افزایش کیفیت زندگی شوند. با این رویکرد می‌توان گفت منظر شهری خوب می‌تواند توان رقابتی شهرها را افزایش دهد. اهمیت این عامل به گونه‌ای است که می‌توان گفت شهرها همانند شرکت‌های رقیب عمل می‌کنند؛ شرکت‌هایی که سعی می‌کنند سهم بیشتری از بازار سرمایه، استعدادهای خلاق، سرمایه انسانی، اقتصادی و دانایی را در خود جای دهند. منظر هر شهر بسیاری از نا نوشته‌های حیات اجتماعی را در خود جای داده است (مدنی پور، ۱۳۸۵، ۶۲). ویژگی‌هایی چون: فقر و غنا، بی‌عدالتی، سلايق، فرهنگ، خرده فرهنگ، عمق تاریخی شهر و در نهایت شرایط اجتماعی و فرهنگی مردمی که در آن سکونت دارند. منظرشهری همچنین می‌تواند بر کنش‌ها، واکنش‌های، رفتار و حتی احساسات ساکنین شهرها تأثیرگذار باشد. شکل شماره یک بیان شماتیکی از این تأثیرگذاری که بیانگر تعامل متقابل میان این عوامل می‌باشد.

همان‌طور که در شکل ۱ مشاهده می‌شود کالبد شهر و شکل‌های ساخته شده به دست انسان، ادامه فرایند اندیشیدن وی است. شکل

منظر شهری مانند نمای ظاهری و پوسته بیرونی هر شهر است که نگاه هربیننده‌ای را در وهله اول متوجه خود می‌کند. این پوسته بیرونی ضمن آنکه خود برگرفته، ساخته و پرداخته عوامل درونی جامعه است به نوعی نشان دهنده معنویات درونی آن نیز می‌باشد و به عبارت دیگر صورتی است که نشانگر سیرت است. در شکل‌گیری این پوسته بیرونی عوامل متعدد محیطی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تأثیرگذارند. منظرشهری هر جامعه براساس مجموعه‌ای از عوامل فوق شکل گرفته و خود نیز نشانه و نمادی برای بازخوانی این شرایط می‌باشد و می‌تواند بر شکل‌گیری ویژگی‌های اجتماعی هر جامعه تأثیرگذار باشد.

شهرها به عنوان مهم‌ترین و کامل‌ترین شکل از اشکال اسکان بشری بهترین و بزرگترین جلوه‌گاه بروز نگرش‌ها، ارزش‌ها، شرایط اجتماعی ساکنین خود می‌باشند (Appleyard, 1979, 451). شهر در نگاه اول با منظر، خود را در معرض دید و قضاوت ناظرین قرار می‌دهد. منظر شهری، سطح تماس انسان و پدیده شهر است و از این جهت بخش قابل توجهی از دانش و عواطف محیطی شهروندان تحت تأثیر آن شکل می‌گیرد. اهمیت منظر شهری، به عنوان واسطه میان انسان و پدیده شهر، به اندازه‌ای است که برخی اوقات در تعریف طراحی شهری گفته اند طراحی شهری مدیریت منظر شهری (منظر عینی و منظر ذهنی) است. همچنین منظر شهری علاوه بر ممکن ساختن قرائت متن شهر امکان آسیب شناسی شهری را نیز فراهم می‌کند. به این مفهوم که بحران و اغتشاش در منظر شهری نشان دهنده بحران در طراحی شهری و بحران در طراحی شهری نشان دهنده بحران در فرایندهای توسعه و مدیریت شهری می‌باشد (گلکار، ۱۳۸۵، ۳۹). به این ترتیب می‌توان گفت منظر هر شهری بیانگر ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن شهر می‌باشد.

منظر شهری هم به عنوان ظرف و هم به عنوان مظهر عمل می‌کند. ظرفی که فعالیت‌ها، رفتارها و برداشت‌های شهروندان را شکل می‌دهد و مظهری که خود از اقدامات کنشگران گوناگون جامعه مانند توسعه گران، تولید کنندگان و سیاست‌گذاران شهری شکل می‌گیرد (عبدالله خان گرجی، ۱۳۸۵، ۷). آشفستگی در منظر شهری موجب ناهنجاری‌های اجتماعی، فرهنگی، حقوقی، قانونی، اخلاقی و روانی می‌شود (Scheer & Preiser, 1994, 45). این مقاله با هدف ارزیابی تأثیر عناصر منظر شهری بر روی احساس تعلق محلی تدوین شده است سؤال اصلی و فرضیه تحقیق عبارت است از: آیا میان منظر شهری و میزان احساس تعلق محلی ساکنین در مرحله مورد

ساختمانی، میزان سطح اشغال، تراکم و ارتفاع ابنیه، شیوه وسبک ساختمانی، وضعیت پوشش گیاهی (توده‌های درختان و بوته‌ها)، فعالیت‌های غالب انسانی (حضور و حرکت مردم در شهر) از جمله عوامل تأثیرگذار بر منظر شهری می‌باشند.

مقیاس خرد: در این مقیاس نیز عواملی چون سبک و طرح معماری ابنیه، وضعیت زمین (بیاده روها، سواره روها، باغچه‌ها، فضاهای باز، کانال‌ها، رودخانه‌ها، جوی‌ها)، وضعیت مصالح (نوع، کیفیت، جنس، رنگ و بافت)، وضعیت الحاقات جانبی (بالکن‌ها، تاسیسات ساختمانی، تندیس‌ها)، تاسیسات و مبلمان شهری (تیرهای چراغ برق، دکه‌های تلفن، سطول‌های زباله، نیمکت‌ها)، پوشش گیاهی (درختان، درختچه‌ها، بوته‌ها به صورت مجزا یا کنار هم و نوع و رنگ پوشش گیاهی) از عوامل مهم تأثیرگذار بر منظر شهری می‌باشند (محمودی، ۱۳۸۵، ۵۵).

اجزا و عناصر تشکیل دهنده کالبد و فرم فضاهای شهری به نوعی عناصر منظر شهری محسوب می‌شوند. اجزای کالبدی تشکیل‌دهنده فضای شهری شامل کف، بدنه، سقف و عناصر (اجزا) مستقر در فضا می‌باشند (پاکزاد، ۱۳۸۶، ۸۷).

کف: سطوح کف معمولاً کاربردهایی نظیر سطح زمین دارند و از عناصر محدود کننده زیرین فضا محسوب می‌شوند و اغلب به صورت افقی هستند. این سطوح می‌توانند یک‌دست یا پله پله باشند ولی به هر حال امکان تغییر در آن نسبتاً محدود است.

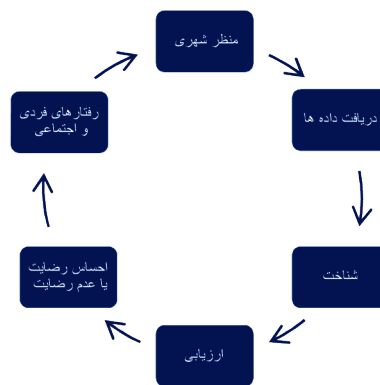
بدنه: بدنه‌ها عناصر عمودی محدود کننده فضا هستند. در بسیاری از فضاهای شهری عناصر عمودی تعریف کننده فضا، شامل درختان، ردیف نرده‌ها و ردیف ستون‌ها نیز می‌باشند.

سقف: سقف دومین عنصر افقی محدود کننده فضا است. در بسیاری از فضاهای شهری سقف وجود ندارد و آسمان نقش سقف را برای این فضاها ایفا می‌کند.

عناصر (اجزا) مستقر در فضا: این عناصر در داخل فضا قرار داشته و بخشی از فضا را اشغال می‌کند. عناصر مانند درختان، نیمکت و آب‌نماها، می‌توان این عناصر را به دو دسته (۱) اثاثه شهری (۲) عناصر سبز، دسته بندی کرد.

اثاثه شهری: آن دسته از عناصری که برای جوابگویی نیاز افراد استفاده کننده از فضا به آن اضافه شده است. در واقع کلیه عناصری که جهت افزایش ایمنی، آسایش و یا برای زیبایی در محیط نصب یا ساخته می‌شود. عناصری همانند: نیمکت یا سکو یا آلاچیق، تابلوهای تعیین جهت و راهنما، وسایل بازی کودکان، تندیس و مجسمه‌ها، سرویس بهداشتی، آب خوری‌ها، دکه‌های فروش و نگهبانی، چراغ و وسایل روشنایی، نرده و حصار جهت حفاظت و تفکیک فضاها.

پوشش گیاهی (عناصر سبز): این عناصر به لحاظ ویژگی‌های



شکل ۱. تأثیر منظر شهری بر رفتارها و ویژگی‌های اجتماعی و فردی افراد جامعه

و نظم‌های متفاوت حاصل و چگونگی ترکیب آنها ناشی از فکر انسانی و به منظور بر آوردن نیازهای اوست. به عبارت دیگر تجربه در محیط، خود تأثیرات حسی را به دنبال دارد که محتوایی برای اندیشیدن و مبنایی برای تفکر می‌شود (حبیب، ۱۳۸۵، ۵۳) که تفکر و ارزیابی از محیط را به همراه دارد در نتیجه این ارزیابی است که مخاطب احساس رضایت یا عدم رضایت را تجربه می‌کند. این احساس بر ویژگی‌های اجتماعی و فردی افراد جامعه تأثیرگذار است. منظر شهری به همان اندازه که ابزار و وسیله‌ای برای شکل‌گیری و بازگویی شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی هر جامعه است، به همان اندازه نیز از شرایط گوناگون جامعه تأثیر می‌پذیرد. به عبارت دیگر منظر شهری ساخته و پرداخته مجموعه‌ای از شرایط جغرافیایی، اقلیمی، محیطی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی - اداری و حقوقی هر جامعه است (سیروس صبری، ۱۳۸۷، ۱۶). منظر شهری در سه مقیاس قابل بررسی است.

مقیاس کلان: در این مقیاس عواملی چون جغرافیای شهری (توپوگرافی، گونه ابنیه، وجود جنگل‌ها و رودخانه) شکل شهر (که حاصل رشد شهر در گذر زمان و دانه بندی و اندام و فرم آن است) پهنه‌های متمایز (وجود دریاچه‌ها یا عناصر کالبدی چون یادگان و فرودگاه) نقاط و نشانه‌های مهم شهری، راه‌ها و لبه‌های اصلی شهر در شکل‌گیری منظر شهری دخیل می‌باشند. از این پنج عامل دو عامل اول مربوط به زمینه و متن می‌باشند و سه عامل دیگر به شکل صفحه، نقطه و خط در منظر شهری نمود می‌یابند. در این سطح عوامل دیگری چون شرایط اجتماعی نظیر نحوه قشر بندی اجتماعی، میزان و نحوه حضور مردم در شهر، باورها و اعتقادات آنان در منظر شهری به ویژه در شکل شهر و نشانه‌ها و راه‌ها (زمینه، متن، نقطه و خطوط) تأثیرگذار است.

مقیاس میانی: در این مقیاس عواملی چون وضعیت و نحوه ترکیب بلوک‌های ساختمانی، وضعیت معابر، نحوه استقرار توده‌های

طبیعی دارای فرم، حالت، رنگ، تناسبات و ابعاد متغیری می‌باشند و به دلیل تغییر در زمان‌های متفاوت تأثیرات متنوعی روی فضا دارند. عناصر مذکور به صورت مسیر سبز (پوشش گیاهی نواری)، سطح سبز (باغچه‌ها)، نقاط سبز (درختان) دیده می‌شوند و شامل درختان و درختچه‌ها، بوته‌ها، چمن، گل، گیاهان رونده می‌باشند (پاکزاد، ۱۳۸۶، ۸۹).
تعریف عملیاتی: منظر شهری یکی از متغیرهای این تحقیق است با توجه به تعاریف ارائه شده و شاخص مطرح شده توسط افراد صاحب نظر از میان موارد طرح شده به عنوان عناصر منظر شهری چهار عنصر به عنوان عناصر منظر شهری مورد مطالعه در این تحقیق انتخاب شدند. (۱) نوع طراحی خیابان‌ها و میادین، (۲) کمیت و کیفیت پوشش گیاهی در محله، (۳) مبلمان شهری و نورپردازی معابر و وضعیت نماها، (۴) کفپوش معابر و جوی آب‌های سطحی. در انتخاب این عناصر به جامعیت آنها و همچنین وجود این عناصر در جامعه آماری مورد مطالعه توجه شده است.

۱-۱-۱ اساس تعلق محلی

احساس تعلق خاطر داشتن به گروه، جامعه و مکانی خاص از جمله احساسات ضروری در زندگی اجتماعی انسان‌ها است. از دیدگاه روانشناسی اجتماعی، حس تعلق اجتماعی، زبان و چارچوبی را به وجود می‌آورد که به وسیله آن فرد نسبت به نحوه عملکرد افراد در گروه‌ها و اجتماعات دانش و آگاهی پیدا کند. احساس تعلق و دلبستگی نسبت به مکان، سطح بالاتری از حس مکان را تشکیل می‌دهد که در موفقیت هر فضای مکانی - به منظور جذب، بهره‌مندی و تداوم حضور در مکان - نقشی تعیین کننده دارد. احساس تعلق و دلبستگی به مکان بر پایه حسی فراتر از آگاهی از استقرار در یک مکان، به پیوند فرد با مکان منجر می‌شود به نحوی که او خود را جزئی از مکان می‌داند و بر اساس تجربه‌هایش از نشانه‌ها، معانی و عملکردهای مکان، معنی و شخصیتی برای مکان در ذهن خود متصور می‌سازد که در نزد او منحصر به فرد و متفاوت از دیگر مکان‌ها، مهم و قابل احترام است (پروند و تولایی، ۱۳۷۶، ۴۶). این حس با نفی از خود بیگانگی فضایی و مکانی و با حس آرامش بخش و خوشایندی و رضایت از محیط و محل همراه است. وجود این حس سبب می‌گردد از یک سو فرد در جامعه و محیط به شکل بالنده و پویا عمل نماید و از سوی دیگر موجب می‌گردد که فرد، گروه و جامعه و مکان (محله و شهر) را متعلق به خود دانسته و در جهت اعتلا، ارتقاء و توسعه آن بکوشد. داشتن حس تعلق منجر به ایجاد حس داشتن سرنوشته مشترک می‌شود، حسی که از نظر روانشناسی موجب ایجاد همکاری، تعاون و مشارکت در میان اعضاء یک گروه و جامعه می‌گردد. از جمله شاخص‌هایی که می‌توان برای ارزیابی این

حس می‌تواند مورد توجه قرار گیرد میزان خوشایندی از محیط، احساس وابستگی به آن می‌باشد (تقوایی و معروفی، ۱۳۸۹، ۱۵). حس تعلق به محیط و مکان (محله و شهر) نیز نوعی از احساس تعلق است. وجود این حس ضمن اینکه برای فرد نوعی تشخیص و بالندگی را به همراه دارد سبب می‌شود که ساکنان در فعالیت‌های اجتماعی مربوط به مکان مورد نظر احساس مسئولیت کرده در آن مشارکت نمایند. به عبارتی حس تعلق محلی میزان مشارکت پذیری افراد یک محله یا شهر را در امور مربوط به آن افزایش می‌دهد (موسوی، ۱۳۸۵، ۶۸). حس تعلق محله‌ای با تأثیر گذاشتن بر روی میزان مشارکت‌های اجتماعی در محله، باعث تسریع و تسهیل در جریان توسعه محله‌ای می‌شود. از این رو می‌توان گفت حس تعلق خاطر محله‌ای در کنار عامل همبستگی اجتماعی در محله می‌تواند نقش مهمی در توسعه کالبدی و اجتماعی آن داشته باشد.

تعریف عملیاتی: با توجه به نظریه‌های بیان شده و ضرورت محدود نمودن مؤلفه‌های مورد نظر در این تحقیق احساس تعلق داشتن به محله که متغیر وابسته می‌باشد با سه گویه: میزان رضایت از محله، تمایل به ادامه زندگی در محله، آگاهی نسبت به اتفاقات آن مورد ارزیابی گرفته است.

۱-۱-۲ تأثیر عناصر منظر شهری در احساس تعلق محیطی

منظر شهری بخشی از شکل شهر است که ناظران آن را دریافت می‌کنند. به عبارتی شکل شهر در لایه منظر شهری به کیفیتی مستقیماً محسوس تبدیل می‌شود، یعنی منظر شهر عینیت قابل ادراک و فضای مورد ادراک ما از واقعیت موجود شهر پیرامون ما است (حبیب، ۱۳۸۵، ۳۴).

حس خوشایندی که فرد از زندگی در محیط شهری دارد به طبع، با جانمایی صحیح کلیه عوامل و فضاها و عناصر کالبدی به وجود می‌آید. این عوامل در قالب منظر شهری معنا می‌یابند (محمودی، ۱۳۸۵، ۵۵). ایجاد مطلوبیت در منظر شهری می‌تواند نقش مؤثری در بالابردن احساس رضایت از کیفیت محیط و به دنبال آن افزایش کیفیت زندگی داشته باشد.

ادراک صحیح و خوانایی محیط یک جزء اساسی در رضایت عاطفی از زندگی در شهر است. لذا هر منظر شهری که بتواند تصویر واضح و روشنی از خود به جا بگذارد می‌تواند نقش اجتماعی مؤثرتری را ایفا نماید، چرا که به مردم کمک می‌کند تا بدانند در کجا هستند، محیط را بخوانند و به نحو مطلوب‌تری فعالیت‌های خود را تنظیم کنند چنین منظر شهری نمادها و خاطرات جمعی و ارتباطات گروهی را افزایش می‌دهد (حبیب، ۱۳۸۵، ۵۳). خوانایی محیط بالا بودن فرصت تعاملات اجتماعی و افزایش امکان ایجاد خاطرات جمعی از عواملی هستند که

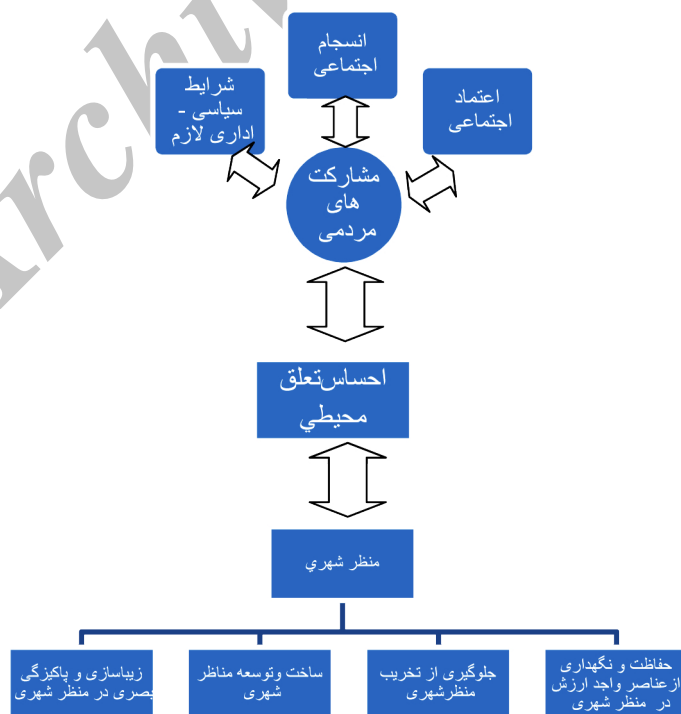
میزان تأثیر احساس تعلق بر منظر شهری به دلیل عدم امکان دخالت و تأثیرگذاری گسترده ساکنین و شهروندان در منظر شهری فراهم نمی‌باشد لذا در سنجش میزان تأثیرگذاری این دو متغیر، بررسی تأثیر مؤلفه‌های منظر شهری بر احساس تعلق محیطی شد. از آنجا که ارزیابی تأثیر مؤلفه‌های اجتماعی به ویژه احساس تعلق محلی بر روی منظر شهری نیازمند فراهم آمدن شرایط مشارکت و دخالت گسترده شهروندان در شکل‌گیری منظر شهری می‌باشد لذا در این تحقیق در بررسی ارتباط دوسویه میان منظر شهری و شرایط اجتماعی به بررسی ارتباط مؤلفه‌های منظر شهری بر روی احساس تعلق محلی پرداخته شده است.

۱.۱ (محل ۱۰۰ میدان)

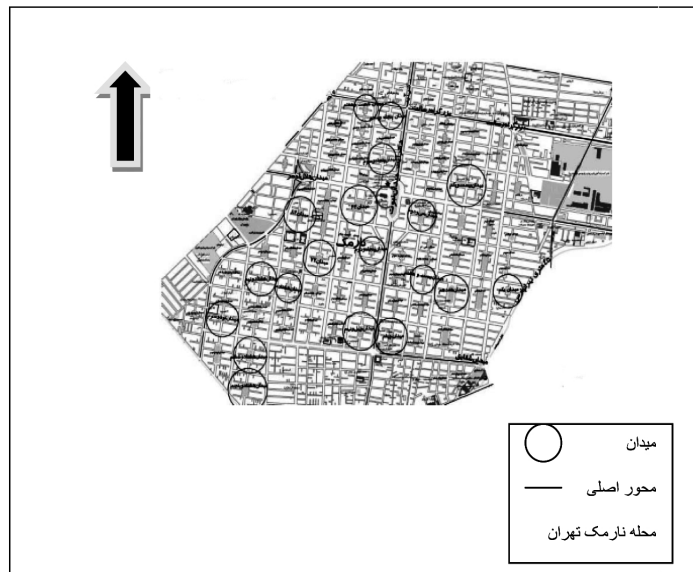
محل نارمک یکی از محلات شهر تهران است که در منطقه هشت شهرداری واقع شده است (شکل ۳). مساحت منطقه نارمک ۱۲/۷ کیلومتر مربع است. دارای ۸۹ هزار خانوار با ۳۳۶۷۷۲ نفر جمعیت است. از سه ناحیه شهری تشکیل شده است. از شمال به بزرگراه رسالت و جنوب خیابان دماوند و شرق تهران پارس و غرب خیابان شهید مدنی منتهی می‌شود. این محل در دهه ۱۳۳۰ برای اسکان فرهنگیان ساخته شد. برنامه‌ریزی و احداث این محل در دهکده‌ای به

بر ارتقاء کیفیت محیط و بالا رفتن میزان رضایت از محیط افزوده و به دنبال آن احساس تعلق محله‌ای و محیطی را افزایش می‌دهند. همچنین منظر شهری در ارتباط با شرایط اجتماعی، محیطی، اقتصادی و فرهنگی شکل می‌گیرد و خود نیز به بازخوانی این شرایط می‌پردازد. شرایط اجتماعی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر مناظر شهری می‌باشند (فریادی، ۱۳۸۷، ۱۲۶). در این میان سرمایه‌های اجتماعی (به عنوان یکی از مؤلفه‌های شرایط اجتماعی) می‌تواند در حفاظت، جلوگیری از تخریب، شکل‌گیری، ساماندهی و توسعه مناظر شهری در هر جامعه نقش به‌سزایی داشته باشد. حس تعلق یکی از علائم و عوامل مهم در ارزیابی ارتباط انسان محیط و ایجاد محیط‌های انسانی با کیفیت می‌باشد (جوان فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰، ۳۴).

بر اساس شکل ۲ احساس تعلق به محیط از یک سو خود پیامد وجود منظر شهری مناسب و جذاب بوده از سوی دیگر خود سبب ایجاد منظر شهری مناسب می‌شود. دیاگرام فوق نشان دهنده نحوه تأثیرگذاری احساس تعلق بر منظر شهری می‌باشد به عبارتی می‌توان گفت احساس تعلق در چهار زمینه بر منظر شهری تأثیرگذار است. الف) حفاظت و نگهداری از عناصر واجد ارزش در منظر شهری، ب) جلوگیری از تخریب منظر شهری، ج) زیباسازی و پاکیزگی بصری در منظر شهری، د) ساخت و توسعه مناظر شهری. از آنجا که سنجش



شکل ۲. نمای شماتیک اثرگذاری مؤلفه‌های اجتماعی بر منظر شهری



شکل ۳. محله نارمک تهران (مأخذ: شهرداری تهران، ۱۳۸۹)

نفر از ساکنین منطقه جمع آوری و پس از تکمیل پرسش‌نامه‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS داده‌های به‌دست آمده تجزیه و تحلیل گردید. در ادامه نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل اطلاعات جامعه آماری بیان می‌شود.

با توجه به جدول ۱ بیشترین درصد و فراوانی متعلق به طبقه سوم یعنی میزان رضایت بالا از نوع طراحی محله می‌باشد که فراوانی آن برابر است با ۲۶ و ۶۵ درصد جامعه آماری را در بر می‌گیرد و کمترین درصد فراوانی متعلق به دسته اول می‌باشد که فراوانی آن ۱ بوده و شامل ۲/۵ درصد جامعه آماری می‌باشد. بنابر این در جامعه مورد مطالعه میزان رضایت از نوع طراحی محله در طبقه سوم بیشتر از دو دسته دیگر یعنی رضایت کم و متوسط می‌باشد.

با توجه به جدول ۲ بیشترین درصد و فراوانی متعلق به طبقه سوم یعنی میزان رضایت بالا از نوع و کیفیت پوشش گیاهی است که فراوانی آن برابر است با ۲۴ و ۶۰ درصد جامعه آماری را در بر می‌گیرد و کمترین درصد و فراوانی متعلق به دسته اول است که فراوانی آن ۶ بوده

همین نام در سال ۱۳۳۰ آغاز شد. دو مهندس خارجی به نام‌های بازیل طرح اولیه این شهرک را دادند و مهندسان ایرانی به عنوان مشاور با آنها همکاری داشتند (عزیزی، ۱۳۸۵، ۴۰). این محله دارای ۱۰۰ میدان سبز می‌باشد. میدان هفت حوض به عنوان میدان مرکزی این محله به شمار می‌رود که دارای مرکزیت کالبدی، اقتصادی و خدماتی نیز می‌باشد (سیفایی، ۱۳۸۴، ۷۶). به دلیل انسجام کالبدی نسبی و همچنین قدمت تاریخی و برخورداری نسبی از ویژگی‌های منظر شهری مطلوب این محله برای ارزیابی تأثیر مؤلفه منظر شهری بر میزان احساس تعلق ساکنین یک محله انتخاب شد. لذا ۴۰ نفر از ساکنین به صورت تصادفی انتخاب شده و به شیوه تکمیل پرسش‌نامه مورد نظر سنجی قرار گرفتند.

داده های تمقیق

با مشخص شدن شاخص‌های هر متغیر، پرسش‌نامه تهیه شد. اطلاعات مورد نظر از جامعه آماری به‌طور تصادفی از میان چهل

جدول ۱. میزان رضایت جامعه آماری از نوع طراحی محله (طراحی خیابان‌ها و میادین)

| شرح | فراوانی | درصد | درصد فراوانی تجمعی |
|---------------------------------|---------|------|--------------------|
| کم | ۱ | ۲/۵ | ۲/۵ |
| میزان رضایت از طراحی تاحدودی | ۱۳ | ۳۲/۵ | ۳۵ |
| زیاد | ۲۶ | ۶۵ | ۱۰۰ |
| جمع | ۴۰ | ۱۰۰ | |

جدول ۲. میزان رضایت جامعه آماری از نوع و کیفیت پوشش گیاهی محل

| شرح | فراوانی | درصد | درصد فراوانی تجمعی |
|---------|---------|------|--------------------|
| کم | ۶ | ۱۵ | ۱۵ |
| تاحدودی | ۱۰ | ۲۵ | ۴۰ |
| زیاد | ۲۴ | ۶۰ | ۱۰۰ |
| جمع | ۴۰ | ۱۰۰ | |

فراوانی آن ۱ بوده و ۲/۵ در صد جامعه آماری را در بر می‌گیرد. بنابر این در جامعه مورد مطالعه میزان رضایت از وضعیت منظر شهری در طبقه سوم و دوم بیشتر از دسته اول یعنی رضایت کم می‌باشد. بیش از ۹۰ درصد پاسخ دهندگان از منظر شهری منطقه سکونت خود رضایت بالا و متوسط داشته‌اند.

آزمون فرضیه: میان میزان رضایت ساکنین از منظر شهری و میزان احساس تعلق به محله در جامعه آماری رابطه معنی داری وجود دارد. با توجه به جدول ۴ میزان $2X$ برابر ۱۱/۵۷ و درجه آزادی برابر است با ۴ و در فاصله اطمینان ۹۵٪ سطح معناداری برابر است با ۰/۰۲۱ که این مقدار از ۵٪ کوچکتر است. به عبارت دیگر با

و ۱۵ درصد جامعه آماری را در بر می‌گیرد. بنابر این در جامعه مورد مطالعه میزان رضایت از نوع و کیفیت پوشش گیاهی در طبقه سوم بیشتر از دو دسته دیگر یعنی رضایت کم و متوسط می‌باشد.

در جدول ۳ میزان رضایت افراد جامعه آماری از منظر شهری (عناصر مورد نظر این تحقیق) بررسی شده است. این جدول در واقع جمع بندی نظرات ساکنین در خصوص این عناصر چهارگانه منظر ساز (مورد مطالعه در این تحقیق) می‌باشد. باتوجه به جدول فوق بیشترین درصد فراوانی متعلق به طبقه سوم یعنی میزان رضایت بالا از منظر شهری در محله است که فراوانی آن برابر است با ۲۸ و ۷۰ درصد جامعه آماری را در بر می‌گیرد و کمترین درصد و فراوانی متعلق به دسته اول است که

جدول ۳. بررسی ارتباط میان متغیرهای میزان رضایت از منظر شهری و احساس تعلق به محله

| شرح | میزان رضایت از منظر شهری | | | جمع |
|--------------------|--------------------------|---------|------|-----|
| | کم | تاحدودی | زیاد | |
| احساس تعلق به محله | ۰ | ۱ | ۳ | ۴ |
| | ۱ | ۱۹ | ۱۰ | ۲۱ |
| | ۰ | ۰ | ۱۵ | ۱۵ |
| | ۱ | ۱۱ | ۲۸ | ۴۰ |



شکل ۴. پوشش گیاهی متنوع و جذاب در محله ضمن ایجاد محیطی سرزنده و با نشاط در افزایش احساس تعلق محلی مؤثر است^۱.

فهرست مراجع

۱. پاکزاد، جهانشاه. (۱۳۸۶). *میانی نظری و فرایند طراحی شهری*. تهران: انتشارات شهیدی.
۲. پروند، شادان؛ و تولایی، نوین. (۱۳۷۶). ویژگی‌های فضایی و مکانی مسجد در ایران: آموخته‌هایی از نمونه‌های ماندگار گذشته، محمد قره چمنی (ویراستار)، مجموعه مقالات همایش معماری مساجد، گذشته، حال، آینده. مهر ۲۶-۲۸، (ص ۴۷-۵۸). اصفهان: دانشگاه هنر.
۳. تقوایی، علی اکبر؛ و معروفی، سکینه. (۱۳۸۹). ارزیابی نقش مساجد در ارتقاء کیفیت محیط، مطالعه موردی: مسجد امیر تهران. *مجله مدیریت شهری*، ۲۵، ۲۳۴-۲۱۹.
۴. جوان فروزنده، علی؛ و مطلبی، قاسم. (۱۳۹۰). مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل دهنده آن. *هویت شهر*، ۵(۸)، ۳۸-۲۷.
۵. حبیب، فرح. (۱۳۸۵). طراحی منظر شهر در گذر تاریخ. *مجله معماری*، ۵۳، ۴۸-۵۳.
۶. سیروس صبری، رضا. (۱۳۸۷). *منظر شهری*. *مجله معماری ایران*، ۱۲ و ۱۰، ۹۸-۹۱.
۷. سیفایی، مهسا. (۱۳۸۴). *مطوبیت سنجی فضاهای عمومی جهت استفاده گروه‌های خاص اجتماعی (زنان) در الگوهای برنامه‌ریزی مشارکتی*. *میدان هفت حوض (نارمک)*. پایان نامه کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس. تهران.
۸. شهرداری تهران. (۱۳۸۹). نقشه تهران. بازیابی ۷ اردیبهشت ۱۳۸۹، از www.Tehran.ir
۹. عبدالله خان گرجی، بهرام. (۱۳۸۵). سیمای شهری بعد رها شده سیاست‌های شهری در ایران. *مجله آبادی*، ۵۳، ۲۰-۶.
۱۰. عزیزی، محمد مهدی. (۱۳۸۵). *مجله مسکونی پایدار مطالعه موردی نارمک*. *مجله هنرهای زیبا*، شماره ۲۷، ۲۱۵-۲۰۱.
۱۱. فریادی، شهرزاد. (۱۳۸۷). بررسی تحولات اندیشه‌های مؤثر بر شکل‌گیری اصول طراحی منظر شهری در قرن بیستم و پس از آن. *مجله محیط‌شناسی*، ۲۶، ۱۶۵-۱۴۹.
۱۲. گلکار، کورش. (۱۳۸۵). مفهوم منظر شهری. *مجله آبادی*، ۵۳، ۳۸-۴۸.
۱۳. محمودی، سید امیر سعید. (۱۳۸۵). *منظر شهری؛ مروری بر چند نظریه*. *مجله آبادی*، ۵۳، ۶۲-۵۴.
۱۴. مدنی پور، علی. (۱۳۸۵). آیا توجه به سیمای شهر مهم است. *مجله آبادی*، ۵۳، ۶۴-۶۲.
۱۵. موسوی، سید احمد. (۱۳۸۵). *برنامه‌ریزی توسعه محله‌ای یا تأکید بر سرمایه‌های اجتماعی (مورد مطالعه: کوی طلاب شهر مشهد)* پایان نامه کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
16. Appleyard, D. (1979). The Environmental Social Symbol. *Journal of American Planning Association*, 45 (2), 143-153.
17. Scheer, B.C., & Preiser, W. (1994). *Design Review: Challenging Urban Aesthetic Control*. New York: Chapman and Hall.

جدول ۴. بررسی همبستگی میان متغیرهای میزان رضایت از منظر شهری و احساس تعلق به محله با استفاده از آزمون خی دو

| | Value | df | Asymp. Sig. (2-sided) |
|------------------------------|--------|----|-----------------------|
| Pearson Chi-Square | 11.575 | 4 | 0.021 |
| Likelihood Ratio | 15.488 | 4 | 0.004 |
| Linear-by-Linear Association | 4.742 | 1 | 0.029 |
| N of Valid Cases | 40 | | |

اطلاعات موجود H_1 تأیید می‌شود.

(H_1): میان میزان رضایت ساکنین از منظر شهری و میزان احساس تعلق به محله در جامعه آماری رابطه معنی داری وجود دارد.

نتیجه گیری

منظر شهری به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر شرایط و ویژگی‌های اجتماعی جامعه، می‌تواند در جریان تغییر، تحول و تکامل هر جامعه‌ای مورد استفاده قرار گیرد. ابزاری است که می‌توان با برنامه‌ریزی برای طراحی مطلوب و بهینه آن، بر زندگی شهری تأثیر مثبت گذاشت، میزان احساس تعلق خاطر شهروندان به شهر و محیط پیرامون را افزایش داد و از این طریق بر مسئولیت‌پذیری و میزان مشارکت شهروندان در امور اجتماعی مؤثر واقع شد. نتایج این تحقیق به خوبی بیانگر رابطه همبستگی میان دو متغیر ویژگی‌های منظر شهری و میزان احساس تعلق شهروندان به محیط زندگی خود در جامعه آماری مورد مطالعه است. بنابراین می‌توان گفت زندگی در محیطی جذاب و مطلوب (از نظر ساکنین) که به عنوان یکی از عوامل ایجاد و تقویت احساس تعلق به محیط به شمار می‌رود سبب بالا رفتن احساس رضایت ساکنان و به دنبال آن باعث بالا رفتن میزان کیفیت زندگی در شهرها خواهد شد.

پی‌نوشت‌ها

۱. نگارندگان در زمان‌های مراجعه به محل جهت جمع‌آوری اطلاعات مکرراً شاهد مواردی بودند که اهالی محل به صورت خود جوش در حال آبیاری درختان و فضاهای سبزه‌محله بوده و وجود آنها را برای محله خود بسیار مغتنم می‌شمردند و معتقد بودند در نگهداری از این پوشش گیاهی به هیچ عنوان منتظر اقدام شهرداری نبوده‌اند.